

بابک احمدی

خاطرات ظلمت

درباره ی سه اندیشگر مکتب فرانکفورت

والتر بنیامین ، ماکس هورکهایمر
تئودور آدورنو



نشر مرکز

فهرست

پیشگفتار ۲

بنیامین و اندیشه‌ی رهایی ۷

هورکهایمر و نظریه‌ی انتقادی ۱۰۱

آدورنو و دیالکتیک منفی ۱۷۵

خودکشی کرد، روشنفکران اروپایی یا بارِ تعهد اجتماعی را نپذیرفتند (چون موريس بلانشو که با بنیامین دوست بود، نویسنده‌گان رمان نو و...)، یا در موضعی دفاعی مدام ناگزیر از توضیح و توجیه وضعیت متعهد خود شدند (چون ژان پل سارتر). بنیامین، ولی، به آن حرکت روشنفکری پیش از جنگ تعلق داشت که ارنست بلوخ آن را «جریان گرم» می‌نامید^۳، و بی‌نیاز از توجیه تعهد خود، راستی متعهد بود و با سیاست‌های چپ رادیکال همراه. از دلایل وجودی این جریان یکی مخالفت با روی کار آمدن نظام‌های فاشیستی بود، و دیگر بحران‌های اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری، و سوم اقتدار اندیشگرانه‌ی مارکسیسم غربی.

بنیامین يك بار به دوست نزدیک‌اش گرشوم شولم نوشته بود: «برای این که ما در داوری خود درباره‌ی جنبه‌ی ناب و زیبای آثار کافکا عادل باشیم، هرگز نباید این نکته را از نظر دور کنیم که این جنبه‌ی ناب و زیبای شکست است»^۴. شکست درونمایه‌ی اصلی زندگی خود بنیامین است، و آثارش را می‌توان «کشف زیبایی‌شناسی شکست» نامید. زندگی بنیامین رشته‌ای از بدیاری‌ها و شکست‌های شخصی بود. رساله‌ی پایان‌نامه‌ی دانشگاهی‌اش که می‌توانست برای او در نظام دانشگاهی آلمان راهی بگشاید رد شد، سپس نزدیک دو دهه در فقر زندگی کرد، و تنها از راه انتشار مقاله‌هایش اندک درآمدی داشت. عشق‌های کوتاه، دشوار و نافرجام داشت و ازدواجی شکست خورده. زندگی در تنهایی و انزوا، مهاجرت و آوارگی‌های بی‌پایان همراه شد با انبوهی طرح‌های ناتمام (مهمترین آن‌ها کتاب پاساژها) و سرانجام با خودکشی غم‌انگیزی

3- R. Wolin, *Walter Benjamin, An Aesthetic of Redemption*, University of California Press, 1994, pp. ix - x. 4- *Correspondance* 2 pp. 251 - 252.

والتر بنیامین یادآور اندیشگران رنسانس است. ذهنی کارآزموده داشت و رها از هر تعصب، که تنها سودای جستن حقیقت را می‌شناخت. دانشی ژرف را با هوشی سرشار به هم آمیخته بود. آثارش بسیاری از گستره‌های دانش و هنر روزگار را از فلسفه، تاریخ‌نگاری، جامعه‌شناسی، سیاست، تاویل اندیشه‌ی دینی تا نقد ادبی، نقاشی، عکاسی و سینما، در بر می‌گیرند. یکی از نخستین تاریخ‌نگاران مدرن عقاید بود، و راه را بر «کالبدشکافی تاریخ فرهنگی اندیشه» گشود. جامعیت فکرش چندان خیره کننده بود که کلام سوزان ساتتاگ را همواره به یادها می‌نشانند: «بنیامین واپسین روشنفکر بود»^۲. او آخرین ادیب بود. از آن کسان که در فرانسه به *homme de lettres* مشهورند، دانایان همه فن حریفی که فلسفه و ادبیات از نظرشان تنها بازی‌های زبانی نیست، بل در حکم «علت زندگی» است. پس از جنگ مهیبی که بنیامین در نخستین سال آن

2- S. Sontag, "The Last Intellectual", in: *New York Review of Books*, 12 octobre 1978, pp. 75 - 76.